

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر!

کارگران! فرزندان رنج و کار، گردانندگان چرخ تولید، سازندگان جهانی که خود از آن بهره‌چندانی ندارید! رزمندگان راه آزادی بشریت، کوشندگان واقعی مبارزه علیه هرگونه ستم و بی‌عدالتی اجتماعی، نوید دهندگان زندگی بهتر در راه رهایی انسان از هر نوع از خود بیگانگی، مبشرین آینده‌ای که در آن باید انسانیت و واقعیت زندگی انسانی معنای حقیقی خود را باز یابد! باردیگر روز کارگر در راه است. اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران و روز یک صدائی در برابر اراده متحد در رویارویی با مناسبات استثمارگرانه سرمایه‌داری است. اول مه روزی است که نیروی کار در صفوف متحد، باردیگر اعلام می‌کند که تا برچیدن هر نوع بردگی و توحشی، در پیشبرد این تعهد تاریخی عزم جزمی دارد و براه خود تا به آخر ادامه می‌دهد. رفقا! ضروری است تا با شرکت در حرکات اعتراضی و ابراز اعلام همبستگی مجدد با جنبش بین‌المللی کارگران در این روز تاریخی، یادآور تعهدات مبارزاتی‌مان در راه رسیدن به اهداف آزادی خواهانه و عدالت طلبانه طبقه کارگر جهانی باشیم.

رخدادهای سالهای اخیر در عرصه اقتصاد جهانی و بحرانی که دامنگیر آن شد، باردیگر ثابت کردند که اصلاح سیستم سرمایه‌داری بگونه‌ای ریشه‌ای، توهمی بیش نیست. نشان دادند که راه حل‌های ارائه شده از جانب دولتها و سرمایه‌داران در جهت غلبه بر بحران و کنترل آن، در عمل چیزی بیش از یک مشت توصیه‌های تکراری نیستند. توصیه‌هایی که بارها امتحان خود را پس داده‌اند. دولتها باردیگر بمیدان آمدند تا از جیب مالیات دهندگان و با کاستن از نان سفره کارگران و توده‌های مردم، ضررهای سرمایه‌داران را جبران کنند و زمینه را برای جلوگیری از ورشکستگی مطلق آنها فراهم سازند. دولتها چنین سیاستی را با توجیه "حفظ سطح اشتغال" پیش بردند، اما دیدیم که نه تنها این یک ادعای عوام‌فریبانه بود، بلکه ما شاهد بیکاری میلیونها کارگر شاغل در اقصی نقاط جهان بودیم که بدون هیچ چشم اندازی به "امان خدا" رها شدند. بدیهی است که دولتها در کنار پیشبرد این سیاست اصلی ناچار شدند تا مجموعه‌ای از قوانین کنترلی جدید را به بحث بگذارند و به اقداماتی پیشگیرنده مبادرت کنند، یا تجدید نظرهایی در مقررات مربوط به تجارت جهانی را برای اجرا در نظر بگیرند. اما خود نیز واقف بودند که هیچ یک از این تلاشها نمی‌توانند و قادر نیستند که اثرات درازمدتی را در پیشگیری از تکرار چنین بحرانهایی بر جای بگذارند و تنها، راه‌حلهائی موقتی در جهت کم کردن تاثیرات "زیان آور" چنین بحرانهایی در جهت ایجاد زمینه برای سرمایه‌گذارهای جدید هستند. واضح است که هیچیک از این اقدامات، نمی‌توانند مانع از تکرار چنین ورشکستگیهای مالی و خانمان برانداز و بحران‌های ادواری شوند.

سال گذشته، در عین حالیکه سال نخ‌نما شدن ادعاهای فریبکارانه ایدئولوژیهای نظام سرمایه‌داری در مورد جاودانه بودن چنین نظامی بود، سال گشایش مجدد فضائی روانی و مثبت بروی نقدهای رادیکال نیز بود. باردیگر ما شاهد رواج بحث‌هایی بودیم که مقبولیت چنین نظامی و تداوم حیات و آینده آن را زیر سؤال بردند. سؤالهای قدیمی، مجددا طرح شدند تا پاسخ‌های جدیدی بیابند. در این فضای جدید، اگرچه از یکطرف قابل مشاهده بود که کارگران در همه کشورها هنوز در یک حالت دفاعی هستند، اما از طرف دیگر ما بطور طبیعی شاهد اعتراضات گسترده میلیونها کارگر در سرتاسر جهان علیه موج بیکارسازیها بودیم. ترس از بیکاری اثرات روانی سنگینی را بر این طبقه حاکم کرده است. قابل مشاهده بود که، نبود یک جنبش آلترناتیو سوسیالیستی چگونه می‌تواند تاثیراتی منفی بر تعیین سرنوشت کارگران در مبارزه علیه سرمایه‌برجای بگذارد. قابل مشاهده بود که اگرچه وجود اتحادیه‌های کارگری در دفاع از منافع موقت کارگران مفیداند، اما در عین حال به تنهایی نمیتوانند ابزار مناسبی در رودروئی‌های سرنوشت ساز نیروی کار علیه سرمایه باشند. کارگران باید در عرصه رودروئی با دولتها بمثابه حامیان سرمایه، از کل قدرت و توان مبارزاتی طبقاتی خود بهره‌گیرند تا دولتها امکان اتخاذ تصمیمات یک جانبه علیه کارگران بنفع اردوی سرمایه را نداشته باشند و طبقه کارگر را همیشه به مثابه یک طبقه حاضر در صحنه، در مقابل خود بیابند.

کارگران در ایران در وضعیت ویژه‌تری قرار داشتند. طبقه کارگر سالها قبل از چنین بحرانی، همچنان با مشکلات عدیده بی‌تشکیلی، عدم پرداخت دستمزدها، بیکاری وسیع و بی‌حقوقی سیاسی روبرو بوده‌اند. کارگران در اینجا، با رژیم بی‌لحاظ سیاسی سرکوبگر روبرو هستند که حاضر است تا هر حرکت اعتراضی کارگران را با به خون کشیدن آن خاموش سازد. با رژیم روبرو هستند که به لحاظ اقتصادی کل اقتصاد را بنفع یک گروه خاص اجتماعی که وابستگی‌های ایدئولوژیک و نظامی به رژیم دارند قبضه کرده است. در چنین شرایطی، طبقه کارگر ایران مضاف بر تحمل اثرات اقتصادی بحران جهانی بر اقتصاد ایران، باید متحمل زیانهای نیز باشد که انحصارگرایی رژیم در قبضه

اقتصاد به همراه دارد. از طرف دیگر، کارگران باید عوارض سیاستهای رژیم در جهت تن دادن به خصوصی سازی را نیز متحمل شوند. این خصوصی سازیها به بیکاری های وسیع تری منجر شده است.

در سال گذشته ما در ایران شاهد اعتراضات وسیع توده ای بودیم. انتخابات نمایشی رژیم برای تعیین باصطلاح "رئیس جمهور" به گسترش اعتراضاتی منجر شد که ساختار سیاسی رژیم را به شیوه ای جدی به چالش کشید. همزمان و همراه با جنبشهای اجتماعی از جمله اعتراضات و مبارزات وسیع زنان، جوانان و دانشجویان، اعتراضات کارگری نیز در اقصی نقاط ایران، در رشته های گوناگون تولیدی و به اشکال متفاوت همچنان ادامه یافت. رهبران کارگری همچنان تحت فشارهای گوناگونی از تهدید به اخراج گرفته تا دستگیری و زندان قرار داشته اند. با این وجود بسیاری از کارگران (همچون دیگر اقشار و طبقات اجتماعی که خود را در هر حرکتی برای رسیدن به خواسته های صنفی و اقتصادی شان در مقابل رژیم می یافتند) شرکت در اعتراضات وسیع توده ای و عمومی را وظیفه خود دانستند. بحث رابطه جنبش کارگری با جنبش عمومی باردیگر بطور مشخص مطرح شد. در رودروئی با رژیم، حضور مستقل کارگران در این رودرئی، باردیگر به عنوان یک نیاز عملی و غیرقابل چشم پوشی در گفتمان سیاسی جا باز کرد. برای چنین کارگرانی، مسئله تنها این نبود که طبقه کارگران این شرایط جدید چگونه میتواند بنفع خود استفاده کند، بلکه در عین حال مسئله این بود که جنبش کارگری در این جنبش چه نقش و جایگاهی میتواند داشته باشد. و از این مهمتر، این بود که همگان دریافتند که بدون حضور فعال طبقه کارگر در مصافهای عظیم اجتماعی-سیاسی، موفقیتهای جنبشهای همگانی و دموکراسی خواهی محدود و نارسا خواهند ماند. از طرف دیگر و بیش از گذشته، برای خود کارگران و بخصوص فعالین جنبش کارگری این موضوع روشن شد که نیاز طبقه کارگر ایران به ایجاد تشکلهای مستقل سراسری و گسترش همبستگی و اتحاد در صفوف این طبقه، تنها یک نیاز صنفی نیست، بلکه ضرورتی سیاسی در رودروئی با رژیمی است که ابتدائی ترین حقوق انسانی را نادیده گرفته و دست به سرکوب میزند. کارگران هیچ چاره ای جز وارد شدن به میدان تعیین تکلیفهای سیاسی ندارند و هر تحولی در اوضاع سیاسی و مناسبات قدرت در ایران بطور مستقیم و در مرحله اول، گریبان آنها را می گیرد. طبقه کارگر بنا به ماهیت خود، نمیتواند کنار گود بایستد، بلکه باید در حد توانش مهر خود را بر تحولات سیاسی بکوبد.

کارگران در کردستان، در سالهای گذشته بخشی فعال در جنبش کارگری در جهت ایجاد تشکلهای کارگری در ایران بوده و در این راه متحمل فشارها و تضيیقات قابل توجهی نیز شده اند. کارگران در کردستان در سال گذشته نیز همچون سالهای قبل، ناچار بودند تا در شرایطی کاملاً میلیتاریزه به مبارزات خود ادامه دهند. گسترش جنبش اعتراضی در تهران و برخی دیگر از شهرهای بزرگ و تلاش رژیم در جهت ممانعت از گسترش این جنبش به سرتاسر ایران و وجود پتانسیل بالای مبارزاتی در کردستان، موجب تشدید سرکوبها و اعمال کنترل شدیدتری نسبت به سالهای قبل در کردستان شد. با توجه به حساسیت موضوع، نه تنها تعقیب و آزارهای معمول علیه فعالین کارگری در کردستان کاهش نیافت، بلکه رژیم، فشار سیاسی و پلیسی خود علیه آنان را بیش از پیش افزایش داد. اما این، مانع تداوم مبارزات کارگران کردستان همگام با دیگر بخشهای کارگری، در جهت رسیدن به خواسته هایشان نشد. در این نیز شکی نیست که کارگران در کردستان، هر سال با برپایی مراسمهای گوناگون، اول ماه مه را گرامی داشته اند. در این مناسبتها با تدوین قطعنامه هایی، اساسی ترین مطالبات سیاسی و صنفی خود را بیان داشته اند. این خواستها و مطالبات برآورده نشده، امسال نیز بقوت خود باقی مانده اند. پیگیری این مطالبات و درافزوده های منطبق با شرایط امروز آن، همچنان میتوانند در دستور مطالبات اول ماه مه امسال نیز قرار داشته باشند. اعتراض به شرایط میلیتاریزه در کردستان، اعتراض به مهاجرت اجباری برای یافتن کار، مطالبه حداقل دستمزد و بیمه های بیکاری و درمانی منطبق با سطح رفاه عمومی، خواست تشکیل تشکلهای مستقل کارگری، ممنوعیت کار کودکان همراه با تامین نیازمندیهای اقتصادی خانواده شان، و نیز خواسته های سیاسی، از جمله؛ خواست برابری کامل زن و مرد در کلیه حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، آزادی زندانیان سیاسی، اعلام همبستگی طبقاتی خود با دیگر کارگران ایران و سراسر جهان و... میتوانند سر لوجه خواستها و مطالبات مراسم و اجتماعات اول ماه مه امسال باشند.

همراهی روند سوسیالیستی کومه له با طبقه کارگر در این روز تاریخی، بخشی از وظایف مبارزاتی ما در جهت محو کلیت آن شرایطی است که استثمار و بهره کشی و سودجویی از نیروی کار را ممکن می سازند. بخشی از مبارزه در جهت برداشتن همه آن موانعی که دولتهای حامی سرمایه و سرمایه داری در راه طبقه کارگر ایجاد کرده اند تا همچنان تولید و باز تولید شرایط تسلط استثمارگرانه سرمایه داران و نظام گنبدیده

سرمایه داری را ممکن سازند. نظامی که ابدی نیست و نمیتواند باشد. بدون شک هرگام کارگران در جهت تقویت همبستگی مبارزاتی این طبقه و هرتلاشی در جهت شفافیت بخشیدن به اهداف طبقاتی طبقه کارگر، گامی است در راستای محو کامل این نظام استثمار و بردگی.

گرامی باد اول ماه مه!
زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران!
زنده باد سوسیالیسم!

روند سوسیالیستی کومه له (فراکسیون)

۲۸ آوریل ۲۰۱۰